

The Position of the Death Penalty in the Prevention of Drug Crimes from the Perspective of Iran and Afghanistan

Hassan Ebrahimi¹, Rajab Goldoust Jooibari^{2*}, Abdolvahid Zahedi³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor and Faculty Member, Law Department, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



Article Type:

Original Research

Pages: 233-271

Received: 2022 October 27

Revised: 2024 May 05

Accepted: 2023 October 28



Abstract

The death penalty for drug crimes always causes jurisprudence to be challenged Because the explanation of this offense in the form of punishments is not very justifiable in terms of jurisprudence. In this research, the nature of drug crimes and the application of the death penalty for this crime are explained in order to prevent the occurrence of such crimes from the perspective of the laws of Iran and Afghanistan. The current research is of an applied type and purpose, and in terms of descriptive nature, it is analytical with a content analysis approach, which was carried out by examining the available information data. Its statistical population is all the legal and jurisprudential foundations of the two countries of Iran and Afghanistan, from which existing and current laws are extracted and applied. The sample size is the whole number and the conclusion has been reached by reviewing and analyzing the available data. The comparison and analytical studies show that the laws of Iran and Afghanistan have conflicts and similarities in terms of jurisprudence and jurisprudence. By considering the laws of the two countries and comparing them with each other, it was found that the basis of the introduction of the death penalty in the law of both countries was actually Roman Germanic law, which with the introduction of jurisprudence in their laws and the legal movement to prohibit the death penalty in the legal community. It caused several interpretations about the nature of crime and acceptance of execution based on jurisprudence regarding drug crimes. It can be said that Afghanistan, by taking advantage of the experiences of other countries and preventing the entry of jurisprudential views on penal crimes; A comprehensive law on narcotic substances was approved, which is free from any kind of bias and expediency regarding the defendants.

Keywords: Punishment, Drugs, Execution, Expediency, Iran, Afghanistan

* Corresponding Author: rajabgoldoust@gmail.com



جایگاه مجازات اعدام در پیشگیری از وقوع جرایم مواد مخدر از منظر حقوق ایران و افغانستان

حسن ابراهیمی^۱، رجب گلدوست جویباری^{۲*}، عبدالوحید زاهدی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار و عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



چکیده

مجازات اعدام برای جرائم مواد مخدر، همواره سبب به چالش کشیده شدن قواعد فقهی می‌گردد؛ چراکه تبیین این بزه در قالب تعزیرات از حیث مبانی فقهی چندان قابل توجیه نیست. در این پژوهش، ماهیت جرائم مواد مخدر و اعمال مجازات اعدام برای این بزه بمنظور پیشگیری از وقوع اینگونه جرائم از منظر قوانین دو کشور ایران و افغانستان تبیین می‌شود. پژوهش حاضر از نوع و هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی تحلیلی با رویکرد تحلیل محتواست که با بررسی داده‌های اطلاعاتی موجود انجام شده است. جامعه آماری آن کلیه مبانی حقوقی و فقهی دو کشور ایران و افغانستان است که قوانین موجود و جاری از آن نشأت گرفته و اعمال می‌شود. حجم نمونه تمام شمار بوده و با بررسی و تحلیل داده‌های موجود به نتیجه رسیده است.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۷۱-۲۳۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۷

مقایسه و بررسی‌های تحلیلی نشان می‌دهد که قوانین کشورهای ایران و افغانستان از لحاظ حقوقی و فقهی دارای تعارضات و تشابهاتی است. با در نظر گرفتن قوانین دو کشور و تطبیق آن‌دو با هم مشخص گردید که مبنای ورود مجازات اعدام در قانون هر دو کشور، در واقع حقوق رومی ژرمنی بوده است که با مطرح شدن احکام فقهی در قوانین آنها و جنبش حقوقی منع اعدام در جامعه حقوقی، سبب شد تفاسیر متعددی در باب ماهیت بزه و پذیرش اعدام بر مبنای فقهی در خصوص جرایم مواد مخدر مطرح شود.



با توجه به مقایسه‌ای که در خصوص قوانین کشورهای ایران و افغانستان در باب بزه مواد مخدر صورت گرفت این موضوع آشکار می‌گردد که قانون افغانستان با توجه به بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها در عرصه قانون‌نویسی و مشخص نمودن جایگاه فقه در جرایم و جلوگیری از ورود دیدگاه‌های فقهی در باب جرایم تعزیری؛ قانون جامع و کامل‌تری در مورد بزه مواد مخدر به تصویب رسانده که عاری از هرگونه جانبداری و مصلحت‌اندیشی و محرومیت‌های قانونی در خصوص متهمان است؛ در حالیکه قانونگذار ایرانی با ترکیب دیدگاه‌های فقهی و نظرات قانونگذاران در تدوین قانون مبارزه با مواد مخدر و وارد نمودن این بزه در زمره تعزیرات و قراردادن بخشی از آن در حکم جرایم حدی، مانع استفاده متهمان و یا محکومان از قسمتی از حقوق مکتسبه خود شده‌اند.



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

واژگان کلیدی: تعزیر، مواد مخدر، اعدام، مصلحت، ایران، افغانستان

* نویسنده مسئول: rajabgoldoust@gmail.com

درآمد

تغییر مقررات قانونی و استنباط‌ها و استدلال‌های ناشی از این قوانین از زمان ایجاد مرجع قانونگذاری و آغاز کار قانون نویسی همواره با چالش‌ها و دیدگاه‌های عمده‌ای روبرو بوده است؛ به گونه‌ای که با تغییر مبانی قانون نویسی، مقررات جدیدالتصویب به شکل کاملاً متفاوت با مقررات سابق تغییر یافتند. این امر سبب گردیده که در نظر گرفتن بعضی از مجازات‌ها از جمله اعدام برای بعضی از جرایم با در نظر گرفتن ماهیت تعریف شده برای این جرایم به درستی قابل هضم نباشد و سبب مطرح شدن ایراداتی از سوی حقوقدانها به این موضوع گردد؛ که از جمله آن اعدام در جرایم مواد مخدر است که از ابتدای جرم انگاری، ماهیت این فعل و مجازات تعیین شده مورد ایراد بوده است. چرا که حذف کیفر اعدام در برخی از جرایم به موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد پذیرش قرار گرفت که این تصمیم علیرغم اینکه مورد مخالفت کشورهای حامی مجازات اعدام بود؛ لیکن به علت مطرح شدن جنبش‌های مخالفان اعدام سبب شد که سازمان ملل مجاب گردد تا در سال ۱۹۸۹ در «دومین پروتکل اختیاری الحاقی به میثاق حقوق مدنی و سیاسی» مجازات اعدام را ممنوع کند. این موضوع با تغییر مبانی قانون نویسی بعد از انقلاب اسلامی ایران با اصلاح مقررات قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ بیشتر مورد تردید قرار گرفت. در حالی که مبحث جرایم مواد مخدر در قانون کشور افغانستان، به لحاظ مبتنی بودن بر مقررات شرعی دارای وجوه اشتراکی زیادی با حقوق ایران است اما مقررات آن بر اساس اصولی کاملاً متفاوت مطرح شده است به نحوی که ایرادات حقوقی کمتری نسبت به قوانین جزایی کشور ایران به آن وارد می‌شود و از لحاظ فقهی قوانین بی‌نقص‌تری نسبت به قوانین کشور ایران تدوین نموده‌اند. از این حیث تطبیق مقررات این دو کشور در این باب قابل نقد و بررسی است.

بر همین اساس محقق در تلاش است تا ضمن تبیین ماهیت جرائم مواد مخدر و اعمال مجازات اعدام برای این بزه از منظر قوانین دو کشور ایران و افغانستان، به این

سوال اساسی پاسخ گوید که مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر از منظر فقه و حقوق در ایران و افغانستان چگونه است؟

۱- اعدام در مواد مخدر از منظر فقه و کیفرشناسان

۱-۱- دیدگاه فقهی اعدام

با توجه به اثرات این مواد بر جسم و جان انسان و در نظر گرفتن خواص دارویی قابل استحصال از این مواد، شبهات تحریمی به صورت مطلق در خصوص این مواد مشاهده نشده و مادامی که دلیل بر حرمت اقامه نشده باشد، عموم فقها قائل به حلیت خواهند بود، لیکن از باب ایجاد فساد در عقل این امر از منظر فقها مذموم می باشد؛ لذا آن را صرفاً مستوجب تعزیر حکومتی دانسته اند. از این بابت نظرات فقها در باب حلیت یا حرمت مواد مخدر در منابع فقهی دائم در حال دوران است که با در نظر گرفتن نظر فقها و دقت در استدلال هریک می توان قول اکثر فقها را در خصوص این موضوع استخراج نمود. لذا با در نظر گرفتن نظر شیخ مفید در باب استعمال مواد مخدر که معتقد است: «کسی که دیگری را بنگ بخوراند یا در نوشیدن یا خوردن چیزی که او را مست کند... بنا به دستور امام تعزیر می شود». لذا می توان گفت از منظر این فقیه جرایم مواد مخدر در زمره جرایم تعزیری است. با در نظر داشتن این موضوع که تعیین نوع و میزان مجازات تعزیری در اختیار حاکم است لذا طبق صلاحدید، مجازات متناسب با جرم را تعیین می کند. البته باید در نظر داشت که در فقه امامیه در جرایم مستلزم تعزیر، اعدام جایز نیست، بنابراین، با توجه به تعریف بزه مواد مخدر در زمره جرایم تعزیری، لذا نمی توان مجازات اعدام را در خصوص آن اعمال نمود. (صلح چی و نصیری، ۱۳۹۷؛ ص ۱۷۰)

از آنجا که خرید و فروش مواد مخدر و روان گردان ها از منظر فقها قبیح دانسته شده و از طرفی قول واحدی در باب حرمت مواد مخدر هم بیان نشده است لذا فعل مذکور به صورت متفق القول از تعزیرات شمرده شده، از این رو باید قواعد حاکم بر قانون نویسی در

باب تعزیرات در خصوص این جرایم مد نظر قرار گیرد. که از جمله این قواعد «التعزیر دون الحد» است که بر مبنای آن می‌بایست میزان تعزیر تعیین شده از حداقل حدود کمتر تعیین شود. (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۸۹)

فقه‌های اهل سنت نیز در موارد تعیین تعزیر برای جرایمی مانند نزدیکی با چهارپایان؛ تعزیر کمتر از حد را تعریف نموده اند. لیکن با در نظر گرفتن تعریفی که از تعزیر شده است و عبارت است از کیفری که شارع مقدس اندازه آن را مشخص ننموده است و میزان و حتی قابل تعزیر دانستن آن را به ید و اختیار حاکم واگذار شده است (محقق حلی، ۴/۹۳۲) می‌توان متوجه شد که تعزیرات منصوص شرعی و غیر منصوص شرعی چگونه در منظر فقها مطرح شده است لذا این امر به قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» تعبیر شده است

اما از منظر سایر فقها دیدگاه دیگری مطرح است که دلالت بر حدی بودن جرایم مواد مخدر است. قائلین به این نظر، معتقدند که جرایم مواد مخدر مصداقی از مصادیق افساد فی الارض است لذا در شمول جرایم مستلزم حد قرار دارد. الحاق این عنوان، منوط به این شرط است که جرم ارتكابی دو عنصر دوام یا استمرار و سازمان یافتگی را داشته باشد و اگر شرایط مذکور محقق نگردد، تعریف این بزه به عنوان مصداقی از بزه افساد فی الارض مطرح نخواهد شد. (حبیبی تبار و حبیبی، ۱۳۹۹، ص ۹۹) با مطرح شدن این نظر و در نظر گرفتن قاعده فقهی (ما حکم به الشرع حکم به العقل) مشخص می‌شود به علت اینکه عقل جایگاه رفیعی در فقه دارد، لذا در اسلام هر چیزی از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها گرفته تا خواندنی‌ها و شنیدنی‌ها و سرگرمی‌ها، که سلامت روح و عقل را تهدید نماید حرمت مضاعف پیدا می‌کند. از این رو در فقه مشاهده می‌شود که فقه‌ها استعمال مسکرات را اعم از خوردن و آشامیدن و تدخین ذکر کرده‌اند و بنگ را جز مسکرات تعریف نموده‌اند و از این طریق حرمت مسکرات را بر مواد مخدر بار میکنند و با مطرح نمودن این توالی، مجازات قابل اعمال برای آن را حد شرب خمر دانسته‌اند و آن را هم ردیف حدود دانسته‌اند.

(شریعتی سبزواری، ۱۳۸۵، ص ۶۸) لذا مجوز ورود سایر مجازات‌های حدی به این جرایم فراهم گردید. لیکن شهید اول در کتاب القواعد و الفوائد در ماهیت جرم مواد مخدر می نویسد، اگر مصرف مواد مخدر، خاصیت مشروبات الکلی را داشته باشد و مست کننده باشد، از جرایم مستوجب حد است ولی اگر باعث فساد عقل شود از جرایم مستوجب تعزیر است. این نظر سبب مطرح شدن دیدگاه دوگانه برای این بره شده است.

از سوی دیگر عده‌ای از فقهای موافق اعدام در جرایم مواد مخدر معتقدند که ماهیت اعدام در جرایم مواد مخدر، مجازات‌های حکومتی و بازدارنده است لذا در قالب تعزیرات قرار می‌گیرد و با در نظر گرفتن این موضوع که در تعزیرات حکومتی، حاکم اسلامی ید مبسوطی دارد و هرگونه مجازاتی را که متناسب با جرم بداند وضع می‌کند لذا محدودیت «التعزیر دون الحد» نیز در تعزیرات حکومتی وجود ندارد و حاکم اسلامی حق دارد از باب امر به معروف و نهی از منکر حتی برای مرتکبان منکر، مجازات اعدام تعیین کند. همچنین می‌توان به عنوان حکم حکومتی و ادله ضرورت حفظ نظام اسلامی در جرایم مواد مخدر، قائل به مجازات اعدام شد. (حبیبی تبار و حبیبی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۰)

در مقابل عده‌ای از فقها با در نظر گرفتن جرایمی که در شرع مقدس کیفر اعدام برای آنها وضع شده است و این امر مکرر فقط در جرایم مستوجب حد بیان شده است لذا مشخص می‌گردد که اعدام به عنوان یک مجازات حدی قابل تعریف است فلذا تعیین اعدام در جرایم تعزیری که توسط حاکم اسلامی تبیین می‌گردد چندان موجه نمی باشد. بر همین مبنا است که هیچ یک از فقهای شیعه به جواز قتل مجرمین به عنوان تعزیر نظر نداده‌اند و حاکم موظف است، در صدور حکم به مجازات تعزیری، ملاک کمتر از حد را رعایت نماید. لذا از این حیث جوازی در باب صدور مجازات اعدام برای این فعل نداریم چرا که قاعده و اصل در تعزیرات این است (کله التعزیر دون الحد، التعزیر لکل عمل محرم) هدف از تعزیر، تنبیه، سرزنش و اصلاح مجرم است؛ نه اینکه حذف و معدوم کردن مرتکب باشد. لذا اعدام در بزه تعزیری جایگاهی ندارد و تعیین مجازات اعدام از منظر فقهای

شیعه برای جرایم تعزیری قابل توجیه نمی باشد مضافاً اینکه در مواردی که جواز شرعی در خصوص اعدام وجود دارد قاعده احتیاط در دماء را مطرح می نمایند و در صورت لزوم صدور و اجرای چنین مجازاتی تمامی ادله یقینی را در نظر گرفته و حکم به آن صادر می گردد. همچنین در تبیین مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر در نصوص فقهی فقهای متقدم جوازی در باب اعدام مواد مخدر مشاهده نگردید. البته با مطرح شدن جایگاه جرایم مواد مخدر در تقسیم بندی های جرایم و مشابه بودن این جرایم با مسکرات لذا در خصوص این بزه نظرات و اقوال متعددی مطرح شده است. (طوسی، النهایه، ص ۷۱۲) با توجه به مشخص شدن نظر فقهای متقدم لازم است نظر فقهای معاصر از جمله حضرت امام (ره) بررسی شود. ایشان در جواب استفتایی در خصوص مصرف مواد مخدر مرقوم فرمودند: «تخلف از منع دولت نباید بشود ولی حکم وضعی ندارد» و در مورد مجازات قاچاقچیان و در نظر گرفتن حکم اعدام، آن را منوط به صدق افساد فی الارض دانسته و فرموده اند: «فساد در صورتی است که مواد مخدر پخش شود به طوری که موجب ابتلای بسیاری شود یا به قصد این عمل یا با علم این اثر». (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ص ۸۶۷).

که با در نظر گرفتن این موضوع مشخص می گردد طبق نظر حضرت امام (ره) جرایم مواد مخدر ماهیت دوگانه تعزیری و حدی دارند و از این طریق با مفسد فی الارض دانستن قسمی از آن جرایم جواز صدور مجازات اعدام برای این جرایم از منظر فقهی صادر گردید در حالی که این تا به آن روز هیچ یک از فقهای شیعه در این خصوص چنین نظری اعلام نکرده بودند و این نظر با در نظر گرفتن تعاریف ارائه شده برای بزه مفسد فی الارض مورد انتقاد فقهای دیگر قرار گرفت.

در مقابل این نظر، نظر جدیدی در خصوص این جرایم مطرح شد که جرایم مواد مخدر ذاتاً تعزیری هستند و با اعلام نظر یک فقیه ماهیت آن تغییر نمی نماید لیکن با استفاده از قواعد جرایم حکمی از مجازات حدی برای جرایم تعزیری استفاده نمودند.

چرا که در تعزیرات قاعده: (التعزیر بما یراه الحاکم) مطرح است و از این رو حاکم خودش تعزیرات را خلق می‌کند لذا می‌تواند متناسب با شرایط زمانی و مکانی و با استفاده از این اختیارات از تمام ظرفیت‌های موجود برای حفظ نظم جامعه اسلام و حفظ حقوق مربوط به جامعه اسلامی تقاسیری در باب تعزیرات از حیث میزان و نوع مجازات مطرح نماید لذا منعی در باب پذیرش مجازات اعدام در تعزیرات نداریم. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۸)

در میان فقه‌های اهل سنت نیز فتوای تحریم استعمال حشیش و بنگ سابقه‌ای طولانی دارد. (شافعی ۱۴۶۱:ق، ۱/ص ۶۲) در این که مصرف‌کننده مواد اعتیاد آور بر چه اساسی قابل مجازات است عده‌ای با استناد به «کل مسکر خمر و کل خمر حرام» و «نهی النبی عن کل مسکر و نقر»، مواد مخدر را در زمره مسکرات قرار داده و به نجس بودن، حرمت و مشمول حد شدن مرتکب آن فتوا داده‌اند و مقدار حد را ۴۰ یا ۸۰ ضربه شلاق دانسته‌اند و بر همین اساس گفته‌اند هم قاعده درء (که مختص حدود است) در آن جاری است و توبه هم از عوامل مخفیه آن به شمار می‌آید. لذا بزه مواد مخدر از این منظر در زیر مجموعه جرایم حدی قرار داده شده است. (زحیلی، ۱۹۹۱، ص ۱۰۷)

این در حالی است که تعدادی دیگر از فقه‌های اهل سنت نه تنها به تحریم مطلق مواد مخدر ملتزم شده‌اند، بلکه آن را به استعمال دخانیات هم سرایت داده‌اند و به دلیل الحاق این مواد به مسأله خمر، خرید و فروش آنها را هم باطل دانسته و تصریح کرده‌اند که صدقه و زکات و حج با این اموال، مردود است.

در این خصوص حنفیه برخلاف سایر فقه‌های اهل سنت نظر بر حرمت مطلق مواد مخدر نداده و از قیاس در آن پرهیز نموده است لذا آن را در زمره حدود تعریف نکرده و صرفاً در صورت زایل شدن عقل به علت مصرف بیش از اندازه، فرد را مستحق تعزیر دانسته. (ابوزهره، ص ۳۸۵)

با توجه به نظر فقها در باب اعلام حرمت برای این مواد و تعیین ماهیت حدی و یا تعزیری جهت ممنوعیت در نظر گرفته شده لذا در خصوص اینکه آیا مجازات سلب حیات به عنوان یک مجازات قابل اعمال در درمورد این بزه در زمره تعزیرات در فقه اهل سنت پذیرفته شده است یا خیر، بین فقهای اهل سنت اختلاف نظر است.

در این باب دو نظر از سوی فقهای اهل سنت مطرح شده است. نظریه جمهور علما اهل سنت این است که مجازات سلب حیات در تعزیرات در صورت وجود مصلحت جایز است، مانند اعدام جاسوس و به علت در نظر گرفتن مصلحت در مجازات مزبور لذا مصلحت را در باب بازدارندگی و تکرار جرم توسط دیگران، مطرح نموده اند. (خداخواه، ۱۳۹۸، ص ۷۷)

این نظر توسط مالک و برخی از پیروان مذهب حنبلی و شافعی در خصوص اعدام جاسوس پذیرفته شده است اما ابوحنیفه اگرچه از اعدام در تعزیرات دوری می جوید، ولی در عین حال معتقد است در بعضی صور می توان جاسوس مسلمان را کشت.

وهبه الزحیلی در کتاب العقوبات الشرعیه مواردی از قتل تعزیری را مطرح کرده و در این خصوص می نویسد: ((تعزیر به وسیله قتل در نزد حنیفه و مالکیه در صورتی جایز است که حاکم مصلحتی را در آن بیابد و جنس جرم هم موجب قتل باشد، مثل اعتیاد در ارتکاب جرم، لواط و قتل به وسیله مثقل در نزد حنفیه که آن را قتل از باب اعمال سیاست می دانند. حنیفه فتوا بر قتل کسی که پیامبر را چندین بار سب نماید، داده اند)) (خداخواه، ۱۳۹۸، ص ۷۹)

ابن قیم جوزی معتقد است که اگر اعدام تعزیری از باب مصلحت جامعه اسلامی باشد، جایز است کسی که فسادش از بین نمی رود را اعدام نمود، چرا که تنها راه جهت جلوگیری از انتشار فسادش اعدام وی است. (ابن القیم الجوزیه، ص ۳۳۶)

با دقت در این نظرات، این مطلب به دست می آید که فقهای اهل سنت مجازات اعدام تعزیری را از باب مصلحت یا نهی از منکر و یا دفع فساد در زمین و مانند این ها جایز

می‌شمارند، چنانکه در عبارتی به مصلحت یا صلاح شخص اشاره شده است. لذا اعمال مجازات اعدام در جرایم تعزیری، نزد حنفیه منوط به تحقق ۴ شرط شده است:

۱- مجرم اعتیاد به ارتکاب جرم تعزیری خاصی داشته باشد.
 ۲- دفع خطر جانی و جلوگیری از آسیب وی به جامعه فقط از طریق کشتن وی میسر باشد.

۳- با ارتکاب آن جرم تعزیری فساد در جامعه ایجاد شود.
 ۴- با ارتکاب مکرر جرم تعزیری که سبب فساد در جامعه هستند، اعمال مجازات تعزیری سبب اصلاح و دفع فساد نمی‌شود و تنها راه جهت دفع فساد کشتن وی باشد که در صورت تحقق این شروط اعدام تعزیری به طور مسلم پذیرفته شده است. لذا تحقق ۴ شرط مذکور که مبنی بر حفظ مصلحت جامعه اسلامی است نقض قاعده (التعزیر دون الحد) جهت اعمال مجازات های تعزیری بالاتر از حد شرعی را توجیه می‌نماید. (محمد بن القاضی، ص ۳۴۰)

لذا با توجه به مطالب بیان شده مشخص می‌گردد که فقه عامه بر خلاف فقه شیعه با مطرح نمودن مصلحت جامعه اسلامی به صورت خیلی گسترده‌تر نسبت به نقض قاعده مذکور اقدام نموده است که اینگونه گشاده دستی در پذیرش مجازات اعدام منطبق با اصول تبیین مجازات نمی‌باشد ولی با در نظر گرفتن قاعده (التعزیر بما یراه الحاكم) و تعریف مجوز تبیین مقررات در باب تعزیرات در اختیار ولی امر مسلمین سبب شده است که ولی امر در صورت تشخیص مصلحت عمومی، مجرمان جرایم تعزیری (از جمله مواد مخدر) را به اعدام محکوم کند تا ریشه فساد اجتماعی برچیده شود، چراکه وظیفه تعیین نوع و میزان مجازات تعزیری برعهده امام و ولی امر نهاده شده است و با توجه به مطالب فوق در صورتی که: اولاً جرم مربوط به جامعه باشد و متضرر از جرم جامعه باشد، ثانیاً مرتکب اعتیاد به ارتکاب جرم داشته باشد و با اعمال سایر مجازات ها قابل

اصلاح نباشد در این حالت در صورت حدوث مصلحت از منظر امام، اعدام چنین کسانی جایز است لذا اعدام در جرم تعزیری مواد مخدر توجیه می‌شود. (خداخواه، ۱۳۹۸، ص ۸۲)

۱-۲- اعدام از منظر حقوق کیفری

حقوق کیفری به عنوان مجموعه‌ای از مقررات تأمین کننده نظم اجتماع، همواره با انتخاب مجازات که یکی از شیوه‌های سرکوب گرایانه است متوسل شده. مجازات‌هایی که معمولاً به صورت اعدام و زندان جلوه گر شده و نتیجه‌ای جز طرد بزهکاران از جامعه در پی نخواهد داشت. لذا در این باب سیاست‌گذاری جنایی از حیث مسئله تبیین نوع مجازات ورود نموده است لذا کیفرگذاری (تقنینی) و کیفرگزینی (قضایی) در این موضوع که ارتباطی مستقیم با حقوق بنیادین بشر دارد دارای اهمیت شده است. از جمله این حقوق و حتی مهم‌ترین این حقوق، حق حیات است و کیفر اعدام تعارضی انکارناپذیر با این حق دارد. علیرغم اینکه تمام نظام‌های حقوقی پذیرنده این مجازات می‌باشند لیکن به علت گسترده شدن در تمامی زمینه‌ها لذا در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به شدت مورد مخالفت قرار گرفت و جنبش‌های لغو مجازات اعدام همواره دنبال حذف این کیفر از زمره مجازات‌ها بودند لیکن به علت اثر بخشی مجازات اعدام در کنترل مجرمان این مجازات همچنان جایگاه قابل توجهی در برخی نظام‌های عدالت کیفری دارد. از این رو پس از جنگ دوم جهانی و متعاقب انتشار نظریات صاحب نظران در زمینه حقوق اولیه انسان، اسنادی توسط بعضی از دول به تصویب رسیدند. از این اسناد می‌توان به عنوان اسناد حقوق بشری یاد کرد؛ چرا که تضمین کننده کرامت انسان می‌باشد. بدین سان، نظام حقوق کیفری متحول گردید و اکثر دولت‌ها برای حفظ شأن و جایگاه خود در صحنه جهانی، مقررات این اسناد را وارد قوانین کیفری خویش نمودند. اعلامیه جهانی حقوق بشر، نخستین سند از این حیث به شمار می‌رود که در مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید. (تقی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۰۱)

از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر تاکنون، سازگاری مجازات اعدام با معیارهای پذیرفته شده در نظام بین المللی حقوق بشر به حداقل رسید چرا که اقدام به شناسایی حق حیات در اسناد بین المللی نموده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۳ بصورت مطلق از حق حیات سخن به میان آورده است و همچنین در ماده ۵ از اعلامیه مزبور نیز اینگونه مقرر شده است که هیچکس نباید تحت مجازات غیرانسانی و یا رفتاری قرار گیرد که منجر به تنزل شأن و مقام انسانی وی گردد. که مفاد این مواد دلالت بر این موضوع دارد که مجازات اعدام نباید در مورد محکومین به مرحله اجرا درآید. البته در طرح اولیه این اعلامیه در اوایل ۱۹۴۷ ضمن شناسایی حق حیات، پیش‌بینی کرده بود که هر کشوری می‌تواند مقرراتی را در زمینه مجازات اعدام در نظر بگیرد. اما متعاقباً برخی از اعضای کمیته تهیه پیش نویس اعلامیه مقرر نمودند که مجازات مزبور نباید جایگاهی در اعلامیه داشته باشد. چرا که در صورت پیش‌بینی اعدام به عنوان یک مجازات قابل پذیرش، روند الغای اعدام در کشورهایی که گام‌هایی را در این راستا برداشته بودند، متوقف می‌شد. (کاظمی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۵)

هرچند اعلامیه جهانی حقوق بشر سند الزام آوری برای دولت‌ها به شمار نمی‌رود، اما چارچوب مشخصی را برای اسنادی که متعاقباً به تصویب رسیدند، بنیان نهاد. که از نتایج آن می‌توان به تصویب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ نام برد. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را از جمله مهمترین اسناد جهانی می‌توان محسوب نمود که مهمترین حقوقی که افراد بشریت از آن برخوردار هستند مورد توجه قرار داده و ماده ۲۸ میثاق، کمیته حقوق بشر را به عنوان نهادی که وظیفه تفسیر مقررات مندرج در آن را بر عهده دارد، پیش‌بینی کرده است. (حداد زاده، ۱۳۹۶؛ ص ۱۰)

مطابق ماده ۶ میثاق: «هر فرد از حق ذاتی حیات برخوردار است». به این معنا نه تنها، جامعه حق حیات را به فرد اعطا نمی‌کند، بلکه باید از این حق حمایت نماید.

اما مجازات اعدام در قبال شدیدترین جرایم به عنوان استثنایی برای حق حیات در نظر گرفته شده و اجرای آن به نحو الزام آورو مطلقاً نسبت به اشخاص زیر ۱۸ سال و زنان باردار ممنوع اعلام شده است. صرف نظر از ماده ۷ میثاق که مجازات‌های ترحیمی و غیر انسانی را ممنوع اعلام کرده است که به نوعی می‌توان پیوندی میان این ماده و ممنوعیت مجازات اعدام به عنوان یک مجازات غیر انسانی برقرار کرد، در ماده ۴ میثاق نیز مقرر شده است: «در زمان بروز وقایع اضطراری که موجودیت ملت را تهدید کند و وجود چنین خطری رسماً اعلام شود، کشورهای طرف این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر، تا آن حد که مرتبط با وضعیت موجود باشد اتخاذ نمایند، مشروط به اینکه تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که طبق حقوق بین الملل بر عهده دارند، مغایرت نداشته باشد». بر اساس بند ۲ از این ماده، انحراف از ماده ۶ مجاز شمرده نشده است. این امر بدان معناست که دولتهایی که مجازات اعدام را برای جرایم خطیر در قوانین داخلی خود پیش بینی کرده‌اند نمی‌توانند در وضعیت‌های اضطراری، آن را به سایر موارد توسعه دهند. (تقی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵)

همانگونه که بیان شد میثاق بین المللی، مجازات اعدام موجود در برخی از کشورها در قبال جرایم خطیر را مورد پذیرش قرار داده است. به همین دلیل، ماده ۶ میثاق متعاقباً طی پروتکل دوم الحاقی به آن در ۱۹۸۸ اصلاح شد. در مقدمه این پروتکل آمده است که دولتهای عضو این پروتکل با این اعتقاد که نسخ مجازات اعدام در ارتقای شأن بشر و پیشرفت فزاینده حقوق بشر سهم بسزایی ایفا میکند و نیز با در نظر گرفتن ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مفاد پروتکل حاضر را مورد تصویب قرار می‌دهند و بدین ترتیب، مجازات اعدام در زمان‌های صلح و جنگ به موجب پروتکل الحاقی به یک سند جهانی، ممنوع اعلام گردید. هر چند از محتوای پروتکل این نکته استنباط می‌شود که این دسته از کشورها نمی‌توانند با تغییر قانون داخلی باعث تغییر در محتوای حق شرط شوند.

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر از دیگر اسنادی است که توسط سازمان کشورهای آمریکایی در ۱۹۶۹ تصویب و از ۱۹۷۸ به مرحله اجرا درآمد. کنوانسیون مزبور، هرچند در ماده ۴ مجازات اعدام را در مورد شدیدترین جرایم مورد پذیرش قرار داده است اما مقرر نموده کشورهایی که تا آن زمان مجازات اعدام را در قوانین داخلی خود منسوخ اعلام کرده اند مجدداً نمی‌توانند آن را به مرحله اجرا گذارند. متعاقباً دومین پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی در ۸ ژوئن ۱۹۹۰ تصویب و به موجب آن مجازات اعدام در زمان صلح، منع و از ۲۸ آگوست ۱۹۹۱ اجرایی گردید.

از این باب قائلین به بازدارندگی مجازات اعدام افزون بر تمسک به نظریه حسابگری جزایی ببنتهام و نظریه اقتصادی گری اس. بکر (به طور خلاصه هزینه-فایده و محاسبه منطقی)، بر «قدرت نمادین» مجازات اعدام جهت کنترل اجتماعی نیز تأکید دارند. در مقابل، مخالفین با طرح نظریه‌هایی چون «رواج بی‌رحمی» که ریشه در تفکرات سزار بکاربا از حیث انتقاد به مجازات اعدام دارد، نظریه بازدارندگی را به چالش کشیده‌اند؛ هرگروه برای ارزیابی و اثبات نظریه‌های خود شواهدی متعدد دارد. (پاکنهاد، ۱۳۹۲، ص ۴۵)

از این رو در نگرش اقتصادی به مجازات‌های قابل تعریف در حقوق کیفری فرض بر این است که اولاً مرتکبان در یک فرآیند انتخاب عقلانی جرم را بر می‌گزینند و از این رو استحقاق مجازات را دارند و دوم، اگر کفۀ مجازات آنقدر سنگین نباشد که فواید جرم را خنثی کند، ارتکاب و تکرار آن قابل انتظار است. با این وصف، کیفر اعدام به عنوان شدیدترین مجازات از حیث نظریه اقتصادی توجیه می‌شود و ادعا می‌شود این شدت می‌تواند خنثی‌کننده منافع احتمالی جرم بوده و مرتکبین بالقوه را از ارتکاب جرم منصرف کند. به جهت اینکه انگیزه مرتکبان مواد مخدر کسب منافع سرشار مادی است لذا می‌توانند با نظریه انتخاب عقلانی تبیین شوند. (حداد زاده، ۱۳۹۶؛ ص ۳۵)

با در نظر گرفتن این رویکردها و مصوبات جامعه جهانی در باب مبارزه با کیفر اعدام مشخص می‌شود که از لحاظ حقوقی تبیین مجازات اعدام چندان پسندیده نمی‌باشد

و از این رو می‌بایست به حداقل تعیین اعدام در جرایم بسنده کرد لذا می‌توان فهمید که این مباحث در واقع همان قاعده فقهی (التعزیر به ما دون الحد) است هم که در اسلام بیان شده است و دلالت بر محدودیت اعمال مجازات اعدام است که به نحو دیگری بیان نموده. چرا که شارع مقدس به این امر آگاه بوده است که کرامت انسانی در هر زمانی باید رعایت گردد اما در حالتی که این امر توسط بزهکار مورد تعرض قرار می‌گیرد جواز صدور مجازات اعدام را صادر می‌نماید که موارد آن هم حصری است و خارج از آن موارد از منظر شارع مقدس صحیح نمی‌باشد.

از این باب اعدام تعریف شده برای جرایم مواد مخدر همواره مورد ایراد جامعه حقوقی بوده و مورد انتقاد قرار می‌گرفت و همانطور که ملاحظه می‌شود تنها جرم تعزیری که مستوجب مجازات اعدام می‌باشد بزه مواد مخدر است که همواره مورد انتقاد قرار می‌گیرد و از این رو کیفرشناسان از منظر حقوق کیفری این امر را مورد انتقاد قرار می‌دهند.

۲- اعدام در جرایم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران

با توجه به فروز و نشیب‌های مطرح شده در نظام قانونگذاری ایران و مبتنی بودن آن بر فقه شیعه می‌بایست روند جرم‌انگاری بزه مواد مخدر، ورود و پذیرش اعدام و تحلیل جایگاه این بزه در قوانین داخلی مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲- از ابتدای قانونگذاری تا انقلاب اسلامی ایران

با ورود به دوارن مشروطه، نخستین قانون جزایی ایران به تصویب رسید و با تصویب قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴، در ماده ۲۷۵ آن قانون فعل بزه استعمال مواد مخدر، جرم‌انگاری شد و این اولین بار بود که برای بزه استعمال مواد مخدر مجازات

۱- ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴: هرکس متجاهراً استعمال مسکرات یا افیون یا شیره تریاک یا مرفین یا بنگ یا چرس نماید به حبس تأدیبی از هشت روز تا سه ماه یا به تأدیه غرامت از ده تومان الی پنجاه تومان محکوم خواهد شد.

تعیین گردید.

بعد از جرم‌انگاری استعمال متجاهرانه تریاک در بازه ده ساله قانون نویسی، قدم بعدی در قانون‌گذاری، تصویب «قانون مجازات مرتکبین قاچاق تریاک» در ۱۶ مرداد ۱۳۰۷ بود که با هدف مبارزه با صادرات و واردات تریاک بدون اذن دولت، به تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورا رسید و تنها کسانی که بدون اذن دولت سوخته حمل می‌کردند مجازات می‌شدند.^۱

پس از آن قانون اصلاح قانون انحصار دولتی تریاک در سال ۱۳۱۱ به تصویب رسید. و برای دائر کردن شیره‌کش خانه و فراهم کردن مکان استعمال شیره، مجازات جزای نقدی و حبس تعیین شد.

با تحولات صورت گرفته در حوزه جرایم مواد مخدر، دولت وقت با تصویب نظامنامه هیئت وزیران مبنی بر تجدید ساخت و توزیع ادویه مخدر (مصوب ۱۳۱۳/۴/۲۵)، در خصوص وارد و خارج کردن، خرید و فروش، توزیع و ساخت مواد مخدر مبادرت به جرم‌انگاری و تعیین مجازات جزای نقدی و حبس نمود.

با توجه به تحولات صورت گرفته و ورود دولت به امر مبارزه با تریاک و امور مرتبط با آن، لذا در تصویب نامه‌های هیئت وزیران (مصوب ۱۳۲۵/۶/۱۸ و ۱۳۲۶/۹/۲) افتتاح کلیه شیره‌کش خانه‌هایی که محلی برای مخل نظم عمومی بود ممنوع گردید. (آقابابایی، ۱۳۸۴، ص ۴۳)

در سال ۱۳۳۸ قانون مربوط به منع کشت خشخاش و استعمال مواد افیونی مورد تصویب قرار گرفت و فهرست مواد مخدر صنعتی را که در فهرست ادویه مخدره سازمان

۱- مواد ۶ و ۲ قانون مجازات مرتکبین قاچاق تریاک» در ۱۶ مرداد ۱۳۰۷
 ماده ۲: هر قسم تریاک تیاری شده نزد کسی کشف شود علاوه بر ضبط تریاک دارنده آن نیز محکوم به تأدیه مثقالی دو قران و پانصد دینار جزای نقدی خواهد شد.
 ماده ۶: هرگاه نزد کسی بیش از شانزده مثقال سوخته تریاک کشف شود علاوه بر ضبط برای هر مثقال سوخته محکوم به تأدیه یک قران جزای نقدی خواهد شد.

ملل متحد قرار گرفته بود، در این قانون وارد گردید. در این قانون برای سازنده یا وارد کننده مواد مخدر حبس موقت و جریمه نقدی تعیین شد. همچنین برای تکرار عمل مجرمانه، مجازات اعدام را مقرر نموده بودند که به موجب این قانون اولین بار مجازات اعدام برای بزه مواد مخدر در سیستم قانونگذاری ایران تعیین شد.

از این رو دروازه قانون کیفری ایران راه را برای مطرح نمودن اعدام در جرایم مواد مخدر گشود و به علت اینکه در آن برهه زمانی قوانین همگی برگرفته از قوانین کشورهای همچون فرانسه و آلمان بود لذا ایراد های فعلی به تجویز اعدام در این جرایم مطرح نبود. پس از این قانون در جلسه مورخ ۴۲/۹/۶ مجلس سنا لایحه اصلاحیه قانون منع کشت خشخاش از طرف دولت تقدیم گردید و بر اساس این لایحه مجازات سازنده و واردکننده هروئین و مرفین اعدام تعیین شد.^۱

در تاریخ ۱۳۵۴/۰۲/۰۸ قانون مربوط به مواد روانگردان (پسیکوتروپ) گام جدیدی در باب مبارزه با مواد مخدر صنعتی برداشت و این قانون معیار و ملاک مجازات و جرم انگاری مواد روانگردان قرار گرفت. همانطور که در سیر تصویب این قوانین مشاهده شد، از بعد از سال ۱۳۳۸ مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر به نحوه گسترده تری برای افعال جدید مجرمانه در این زمینه که قابل تصور بود به تصویب رسید لیکن به علت مبتنی بودن این قوانین بر مبانی حقوق رومی ژرمنی ایرادات فعلی (ایرادات برگرفته از مبانی فقهی) بر آن بار نمی گشت و تنها ایرادی که به آن وارد می گشت اعتراضاتی بود از سوی منتقدین اعدام مطرح می شد که با در نظر گرفتن زمان تصویب میثاق بین المللی حقوق مدنی که بعد از تصویب قانون مذکور و بعد از انقلاب اسلامی صورت گرفت لذا این انتقادهای جایگاهی نداشته و قابل ترتیب اثر دادن نبود. لذا با تحقق انقلاب اسلامی و تصویب میثاق بین المللی حقوق مدنی بعد از انقلاب اسلامی این امر مورد توجه قرار گرفت.

۱ - استخراج از تارنمای موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران به آدرس <http://www.iihs.ir/s/8370>

۲-۲- بعد از انقلاب اسلامی ایران تاکنون

با حدوث انقلاب اسلامی در ایران؛ انقلابیون قوانین جزایی سابق را مشروع نداسته و در صدد برآمدن تا قوانین سابق را مطابق با مقررات فقهی تطبیق دهند که از جمله آن قوانین قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون مجازات عمومی بود. النهایه در سوم آبان سال ۱۳۶۷ «قانون مبارزه با مواد مخدر» پس از سال‌ها بحث و بررسی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید؛ و با توجه به مرتبط بودن این قانون با قانون مجازات عمومی که فارغ از مباحث فقهی به تقسیم بندی جرایم و کیفرگزینی در خصوص جرایم می‌پرداخت و این امر سبب بروز ایرادات حقوق بشری به تعیین مجازات اعدام برای جرایم مواد مخدر می‌گشت بلکه از منظر علمای حقوقی و فقهی مورد ایراد بود چراکه تقسیمات اعلام شده در خصوص جرایم فاقد مبنای شرعی بود لذا قانونگذار در اقدام بعدی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به تصویب رساند تا ایرادات فقهی وارده به قانون‌های جزایی (از جمله قانون مبارزه با مواد مخدر) رفع شود؛ و به موجب این قانون ماهیت‌های فقهی برای جرایم مواد مخدر را مطرح کردند که سبب بروز انتقاد از سوی حقوقدانهای فقهی از حیث عدم رعایت قواعد فقهی نسبت به تعیین کیفر اعدام در این جرایم شد و علاوه بر این به جهت تصویب میثاق بین المللی حقوق مدنی از سوی جامعه حقوقی بین المللی مورد انتقاد قرار گرفت.

با تعریف این بزه در ماهیت بازدارنده و تبیین مجازات اعدام برای آن؛ که سبب عدول از قاعده فقهی «التعزیر به ما دون الحد» شده بود لذا حقوقدانها برای رفع این نقیصه قانونی با تاسی از نظر حضرت امام (ره) ماهیت دوگانه حدی و بازدارنده برای جرایم مواد مخدر در نظر گرفتند، چراکه حسب متون فقهی عده‌ای از فقها مصرف این مواد در ردیف حد شرب خمر قرار داده شده بود و مجازات حد شرب خمر را برای آن تعریف نمودند و مضافاً اینکه حضرت امام (ره) اعلام نموده بودند که قاچاق مواد مخدر مصداقی از افساد فی الارض می‌باشد که با توجه به حدی بودن بزه افساد فی الارض لذا این قسمت

از بزه مواد مخدر در قالب حدود تعیین گردید. (اسدالله لطفی، ۱۳۸۷: ص ۵۰۵).

در نهایت باتوجه به استدلال صورت گرفته از سوی اداره حقوقی قوه قضاییه با این توجیه که فلسفه وضع مجازات‌های بازدارنده عدول از مبانی فقهی و قانونی و توجه به مصلحت اندیشی در امور کشور از طریق وضع جرایم است و در نظر گرفتن مبنای قانون نویسی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام که به موجب اختیارات حاکم اسلامی در راستای قاعده (التعزیر بما یراه الحاکم) تعریف شده است و مدنظر قرار دادن نظر حضرت امام (ره) که به صراحت بیان نموده بودند: "ولی امر مسلمین جهت اجرای احکام الهی و برقراری نظم عادلانه از نظام و تشکیلات حکومت استفاده نماید" به عنوان یک قول فقهی لذا در راستای حفظ مصلحت جامعه اسلامی مبادرت به پذیرش مجازات اعدام مواد مخدر مصوب در قانون قبل از انقلاب نمودند و مجوز این امر را استدلال حضرت امام (ره) در باب قائل شدن ماهیت دوگانه حدی و تعزیری برای این جرایم مطرح نمودن تا سبب شود مصلحت پذیرش اعدام در جرایم تعزیری توجیه شود.

البته این نظر که منطبق با نظر حضرت امام (ره) بود تا زمان تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد پذیرش بود و با اصلاح قانون مذکور توجیحات سابق در باب پذیرش اعدام برای بزه مواد مخدر به عنوان یک جرم حدی به هیچ وجه قابل پذیرش نبود.

از طرف دیگر با توجه به اینکه تعزیرات به تعزیرات منصوص و غیرمنصوص شرعی تبدیل شدند و جرایم تعزیری منصوص نیز از حیث عنوان و مجازات در فقه شیعه تعیین شده بودند لذا جرایم مواد مخدر در قالب تعزیرات غیرمنصوص شرعی تعریف گشت و با تعزیری شدن جرم مواد مخدر می بایست قاعده (التعزیر دون الحد) رعایت گردد لذا قانون الحاق ماده ۴۵ به قانون مبارزه با مواد مخدر مورد تصویب قرار گرفت.

به موجب این مقرر ملاحظه شد که قانونگذار از نظر فقهی حضرت امام (ره) عدول کرد و با مد نظر قرار دادن نظر اکثر فقها که ماهیت تعزیری برای بزه مواد مخدر در نظر

گرفته بودند مبادرت به قانون نویسی کرد و بدین ترتیب قانونگذار در خصوص مجازات های حبس ابد و اعدام که ذاتا حدی هستند و صرفا در جرایم سرقت حدی، افساد فی الارض و... تعریف می شدند روی گرداندند. چراکه متوجه شده بودند حتی با در نظر گرفتن ماهیت حدی برای بزه مواد مخدر و تعریف آن به عنوان مصداقی از افساد نمی توانند مجازات حبس ابد را برای آن تعیین کند لذا این مجازات کلا از دامنه مجازات های مواد مخدر حذف شد ولی در خصوص اعدام همواره مصلحت جامعه و حکومت اسلامی مد نظر قرار گرفت. لیکن با حفظ ماهیت تعزیری برای این بزه، اقدام به اعمال مقررات جرایم حکمی نمود تا با قیاس قسمتی از بزه مواد مخدر با بزه افساد فی الارض و تبیین مواضع مشترک بتوانند مجازات اعدام را برای جزئی از بزه مواد مخدر عاریه بگیرند.

سوالی که مطرح است این است طبق شرط اول این ماده قانونی چگونه شرط گسترده بودن در این ماده در خصوص جرایم مواد مخدر احراز می گردد که از این طریق بتوان مجازات اعدام را از این ماده قانونی عاریه گرفت و بر جرایم مواد مخدر که یک جرم تعزیری می باشد الحاق کرد و قاعده (التعزیر دون الحد) را نقض کرد؟^۱

۱ - قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر

ماده واحده . یک ماده به شرح زیر به عنوان ماده (۴۵) به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۳/۸/۱۳۶۷ و اصلاحات بعدی آن الحاق و شماره ماده (۴۵) قانون به ماده (۴۶) اصلاح می گردد: ماده ۴۵. مرتکبان جرائمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند در صورت احراز یکی از شرایط ذیل در حکم مفسد فی الارض می باشند و به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر یا روانگردان محکوم و در غیر این صورت حسب مورد «مشمولین به اعدام» به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن و «مشمولین به حبس ابد» به حبس و جزای نقدی درجه دو و در هر دو مورد به ضبط اموال ناشی از جرائم مواد مخدر و روانگردان محکوم می شوند: الف . مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند. منظور از سلاح در این بند، سلاح سرد و سلاح و مهمات موضوع قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۷/۶/۱۳۹۰ می باشد. ب. در صورتی که مرتکب نقش سردستگی (موضوع ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲) یا پشتیبان مالی و یا سرمایه گذار را داشته یا از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانبین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد. پ . مواردی که مرتکب به علت ارتکاب جرائم موضوع این قانون، سابقه

پاسخی که عده‌ای از موافقان بیان داشته‌اند این است که در خصوص حالتی که براساس وزن مواد مخدر مجازات اعدام تبیین می‌گردد این امر به راحتی قابل هضم است چرا که با توجه به مصرف جزیی مواد مخدر توسط مصرف کنندگان این مواد؛ لذا مواد مخدر به میزان دو یا سه کیلو (مخدر صنعتی) و یا پنجاه کیلو گرم (مخدر غیر صنعتی)، می‌تواند مواد مخدر مورد نیاز جماعت کثیری را برای مدت مدیدی تامین کند و وقتی که این مواد به وفور در تصرف آحاد جامعه قرار گیرد، لذا تقاضا به صورت عادی بالا رفته و قوای سازنده جامعه به سمت مصرف مواد مخدر و تباهی می‌رود که سبب زوال عقل مصرف کنندگان گشته که به نوعی از مصادیق جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد است و این امر سبب تحقق شرط مندرج در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی گشته و لذا می‌توان این حالت را که مصداقی از بند ت ماده ۴۵ الحاقی دانست و این بزه را در حکم مفسد فی الارض دانست و مجازات اعدام را برای آن عاریه گرفت.

اما در خصوص سایر بندهای ماده ۴۵ الحاقی (مسلح بودن مرتکب «بند الف» و سردستگی و سرمایه گذاری و سوء استفاده از افراد زیر ۱۸ سال «بند ب» و سابقه دار بودن متهم و دارا بودن محکومیت اعدام یا ابد و یا حبس بالای ۱۵ سال «بند پ») چگونه می

محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال داشته باشد. ت. کلیه جرائم موضوع ماده (۴) این قانون مشروط بر اینکه بیش از پنجاه کیلوگرم باشد و مواد موضوع ماده (۸) این قانون مشروط بر اینکه بیش از دو کیلوگرم باشد و در خصوص سایر جرائم موضوع ماده (۸) در صورتی که بیش از سه کیلوگرم باشد. اجرای این بند نسبت به مرتکبان، متهمان و مجرمان قبل از لازم الاجراء شدن این ماده منوط به داشتن یکی از شرایط بندهای (الف)، (ب) یا (پ) نیز می‌باشد. تبصره. در مورد جرائم موضوع این قانون که مجازات حبس بیش از پنج سال دارد در صورتی که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود، جز در مورد مصادیق تبصره ماده (۳۸)، مرتکب از تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی به استثنای عفو مقام معظم رهبری مذکور در بند (۱۱) اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی بهره‌مند نخواهد شد و در صورتی که حکم به مجازات بیش از حداقل مجازات قانونی صادر شود دادگاه می‌تواند بخشی از مجازات حبس را پس از گذراندن حداقل مجازات قانونی به مدت پنج تا ده سال تعلیق کند. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ دوازدهم مهرماه یک هزار و سیصد و نود و شش مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۲۶/۷/۱۳۹۶ به تأیید شورای نگهبان رسید

توان در حکم مفسد فی الارض بودن را احراز نمود و از این طریق مبنای مذکور را توجیه کرد؟

هائپورکه در بندهای سه گانه فوق الذکر ماده ۴۵ الحاقی آمده اگر میزان مواد مخدر مکشوفه از متهم؛ همان اوزان سابق باشد که مستوجب مجازات اعدام بوده است (ولی الف) متهم مسلح باشد ب) متهم سردسته باند مواد مخدر باشد یا مسئولیت پشتیبانی مالی و یا سرمایه گذار آن باند باشد و یا از افراد زیر سن ۱۸ سال و یا مجانین برای ارتکاب بزه مواد مخدر استفاده نماید پ) سابقا محکومیت قطعی به اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از ۱۵ سال داشته باشد؛ بازهم براساس همان اوزان سابق به مجازات اعدام محکوم می گردد و این امر با شروط مندرج در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی^۱ جهت تحقق شرط افساد فی الارض منطبق نیست، لذا در باب توجیه این موضوع این نظر آمده است که براساس رویه قضایی مواد مخدر صنعتی بالای ۱۰۰ گرم و مواد مخدر سنتی بالای پنج کیلوگرم در محدوده مواد عمده قرار می گیرد و براساس این رویه که استنباط شده از مواد ۸۰۴ و ۸۰۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر می باشد لذا این میزان مواد همانند اوزان مندرج در بند ت می تواند خیل عظیمی از مردم را به سمت مصرف این مواد سوق دهد. ولی با توجه به اینکه قانونگذار در باب شرط وزن مواد به عنوان یکی از ارکان تعیین مجازات مواد مخدر مبادرت به تغییر این اوزان در مجازات اعدام نموده است؛

۱- ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی :

هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایرکردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.

تبصره- هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می شود.

لیکن جهت جلوگیری از شهید شدن این حکم قانونی که در سابق مبنای صدور و اجرای خیل کثیری از اعدام‌های مواد مخدر بوده و از این جهت از هجمه‌های نهادهای حقوق بشر رهایی جویند لذا حکم سابق را در این ماده را بدون در نظر گرفتن مبنای سابق در قانونگذاری ابقا نموده ولی جهت جلوگیری از تعارض با بند ت، شرط مسلح بودن را به آن الحاق نموده است تا از این جهت هم از انتقادهای حقوق بشری رهایی جسته و هم رویه قضایی را در باب عمده بودن حفظ نموده، لذا با این تفسیر شرط جنایت علیه تمامیت جسمانی به صورت گستره را حفظ نموده تا بتواند با ایجاد تشابه در آثار و نتایج بزه افساد فی الارض، این بزه را در حکم افساد فی الارض تعبیر کند و مجازات آن را در این قسمت یدک بکشد. (ابراهیمی، گلدوست، ۱۴۰۰، ص ۳۶۰-۳۶۲)

از این طریق ماهیت تعزیری بزه را حفظ نموده ولی مجازات حدی اعدام را برای آن بار کردند ولی باز هم مشاهده می‌شود که قاعده فوق الذکر نقض گردید و حتی علیرغم پیوستن به میثاق حقوق مدنی و سیاسی این مجازات از بزه مواد مخدر حذف نگردید و صرفاً با مطرح نمودن مصلحت که در دست حاکم شرع است اقدام به توجیه نقض این قاعده می‌نمایند که این امر هم با تغییرات زمانی که در امور حاکمیتی رخ می‌نماید دائماً در حال تغییر است. چرا که مصلحت از طریق استنباط و استنتاج‌های عقلی حادث می‌شود لذا با دقت نظر و ژرف اندیشی کامل مشخص می‌شود که بعد از گذر از مصلحت و تحقق نفع جامعه اسلامی قاعده: (ما حکم به الشرع حکم به العقل) مطرح می‌شود چرا که ارجحیت عقل بر مصلحت هم به حکم عقل و هم تأیید شرع اثبات شده است و اساساً حقانیت شرع و اصول دین به حکم عقل ثابت می‌شود و چون تغییر احکام با در نظر گرفتن مصلحت جامعه مسلمین است و عقل است که دلایل و منطق آن را توجیه می‌کند لذا این امر سبب می‌شود بعد از گذر از فرعیات مربوط به مصلحت؛ قوانین دوباره به مسیر اصلی خود برگردند و قاعده التعزیر دون الحد را اجرایی نمایند و مجازات اعدام را از بزه مواد مخدر حذف نمایند.

با این اوصاف مشخص گردید که قانونگذار حکیم بر این امر واقف است ولی اجرای مصلحت و حفظ نظام جمهوری اسلامی را اولی بر حفظ حقوق مردم دانسته و با سلب بالاترین حق که همان حق حیات است مبادرت به حفظ مصلحت و نظام اسلامی نموده در حالی که حفظ حرمت خون مسلمان کمتر از حفظ حکومت اسلامی نیست و تا زمانی که مسلمانی وجود نداشته باشد حکومت اسلامی هم ایجاد نخواهد شد لذا این امر که سبب توجیه اعدام در قانون است از لحاظ حقوقی چندان مقبول نیست.

۳- اعدام مواد مخدر در نظام حقوق افغانستان

حسب تحقیقات صورت گرفته در سیر قانون نویسی افغانستان که از سال ۱۲۹۸ شروع می شود مشخص می شود که به علت نبودن قانون مصوب تا سال ۱۳۰۰؛ محاکم شرعیه طبق فتاوی مفتی های حنفی رسیدگی های قضایی را نسبت به بزه مواد مخدر صورت میداند. از طرفی به علت اینکه حنفیه در خصوص تعزیرات اعمال مجازات اعدام را جایز می دانسته است لیکن در آن برهه زمانی اثرات مضر مواد مخدر به شکل امروزی مطرح نبود، مستنداتی که دلالت بر صدور مجازات اعدام توسط مفتی ها در جرایم مواد مخدر باشد مشاهده نمی گردد. (اونا و دیگران، ۲۰۱۶، ص ۱۳-۱۴)

حتی به علت فواید متعددی که مواد مخدر (تریاک) در درمان بیماری ها داشت و عمدتاً از این ماده جهت درمان بیماری ها استفاده می شد، لذا حمل، نگهداری و حتی مصرف آن را چندان قبیح نمی دانستند و علیرغم اثراتی که مصرف این مواد داشت، آن را از شمول مسکرات خارج دانسته و ماهیت حدی برای آن قائل نبودند. از اینروست که اسنادی در باب مجازات دارندگان این مواد توسط محاکم شرعیه مشاهده نمی شود. (اونا و دیگران، ۲۰۱۶، ۱۴-۱۵)

لیکن در سال ۱۳۰۰ اولین مقرر قانونی برای مواد مخدر به تصویب رسید و بعضی از افعال ارتكابی در آن را جز جرایم تعزیری تعریف کرد و با توجه به اینکه در مذهب حنفیه

هدف از اجرای مجازات در تعزیرات، اصلاح مجرم و هدایت وی دانسته شده لذا این امر در خصوص بزه مواد مخدر بیش از پیش مد نظر قرار گرفت و مجازاتی در باب نیل به این هدف به تصویب رسید.

با توجه به گسترش روز افزون مصرف این مواد و شیوع اثرات مخرب آن مواد بر روی افراد، لذا قانونگذار با تاسی از قانون رومی ژرمنی و در نظر گرفتن قوانین مصوب در همسایگی خود، رفته رفته مجازات بزه‌های تعزیری قابل ارتکاب حول مواد مخدر را تشدید کرد تا اینکه در سال ۱۳۵۵ به پیروی از نظام حقوق ایران مجازات اعدام را در میان مجازات‌های قابل اعمال برای مواد مخدر تعریف نمود.

با توجه به سیر قوانین تصویب شده در کشور افغانستان مشاهده می‌شود قانونگذار افغانستانی در تمامی مراحل قانون نویسی از قاعده (التعزیر دون الحد) تبعیت نموده و همین که از مصوبات قانونی کشورهای همسایه خود بهره جسته سبب شده است تا با مد نظر قرار دادن نظرات فقه حنفی در باب تجویز مجازات اعدام در تعزیرات و در نظر گرفتن قاعده (التعزیر بما یراه الحاکم) از قاعده فوق الذکر عدول نماید و نه تنها مجازات اعدام که یک مجازات حدی است، بلکه مجازات حبس ابد را هم برای یک بزه تعزیری مقرر نماید ولی مبنای آن را در مشروح مصوبات خود بیان ننموده است. (حبیبی، ۱۳۹۶، ص ۷۰)

با در نظر گرفتن مبانی فقه حنفی در نظام قانون نویسی افغانستان، امکان توجیه مجازات اعدام فراهم بود ولی مجازات حبس ابد به هیچ وجه قابل پذیرش نبود چراکه فقه حنفی در باب اعدام، مجوز عدول از قاعده (التعزیر دون الحد) را صادر نموده بود؛ که این ایراد به علت استفاده همه جانبه از قانون ایران بود.

البته این ایراد به قانون آن زمان ایران وارد نبود چراکه قانونگذار وقت، منصرف از قواعد فقهی و براساس آموزه‌های حقوقی رومی ژرمنی و دکترین، این مجازات را برای مواد مخدر تعیین نموده بود ولی حقوق افغانستان که از ابتدا مبتنی بر مبانی فقهی بود بدون

توجه به این موضوع، اقدام به تصویب مقرارتی شبیه به آن قوانین برای کشور خود نمود. اما در مقابل این ایراد عده‌ای گفته‌اند که چون در فقه اهل سنت، مجازات‌های تعزیری بالاتر از حد شرعی از جمله اعدام پذیرفته شده و ولی امر و حاکم شرع نیز از حیث دفع فساد می‌تواند مرتکبان تعدد و تکرار جرایم را با در نظر گرفتن مصلحت به اعدام محکوم نماید؛ پس به طریق اولی به مجازات کمتر از اعدام (حبس ابد) هم می‌توان محکوم نماید.

لذا می‌توان گفت تجویز اعدام و حبس ابد توسط قانونگذار افغانستانی در جرایم مواد مخدر از این حیث قابل توجیه است و با استفاده از این استدلال فقهی که مبتنی بر در نظر گرفتن مصلحت امت اسلامی است از قاعده کلی عدول شده است تا با اعدام نمودن بزهکاران ریشه فساد اجتماعی برچیده شود، زیرا نوع و میزان مجازات تعزیری، به نظر امام و ولی امر واگذار شده است و چون قانونگذار افغانستانی در قانون اساسی و ابتدای قانون جزای^۱ خود بیان داشته است به موجب این قوانین صرفاً جرایم تعزیری جرم انگاری می‌شوند و مجازات برای آنها تعیین می‌شود، لذا قانونگذار از تمام توان خود

۱- ماده ۱، قانون جزا ۱۳۵۵: (این قانون جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم می‌نماید. مرتکب جرایم حدود، قصاص و دیات مطابق احکام فقه حنفی و شریعت اسلام مجازات می‌گردد از قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۶؛

ماده ۲: (۱) این قانون جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم می‌نماید. (۲) مرتکب جرایم حدود، قصاص و دیات مطابق احکام فقه حنفی و شریعت اسلام مجازات می‌گردد.

ماده ۳: اهداف این قانون عبارتند از: تنظیم اصول، قواعد و احکام مربوط به جرایم و جزاهای تعزیری.

ماده ۲۹: قباحت جرمی است که برای آن در این قانون جزای نقدی تا سی هزار افغانی برای آن تعیین شده باشد.

ماده ۳۰: جنحه جرمی است که جزای آن در این قانون بدیل حبس؛ جزای نقدی، حبس قصیر یا حبس متوسط تعیین شده باشد.

ماده ۳۱: جنایت جرمی است که جزای آن در این قانون حبس طویل، حبس دوام درجه ۲، حبس دوام درجه ۱ و یا اعدام تعیین شده باشد.

برای تعیین مجازات تعزیری^۱ و رفع فساد در باب حفظ مصلحت جامعه اسلامی کوشیده است. (خدا خواه، ۱۳۹۸، ۷۶)

علیرغم بازنگری صورت گرفته در قوانین لیکن همچنان این نظر در قوانین اصلاح شده مد نظر قانونگذار افغانستانی بود تا اینکه با حدوث انقلاب در نظام حاکم بر افغانستان و روی کار آمدن حکومت طالبان و در راس آن به حکومت رسیدن ملا عمر و انتصاب ایشان به عنوان ولی امر مسلمین افغانستان سبب شد نظرات مطرح در فقه حنفی با قدرت بیشتری اعمال گردد لیکن موضوع مواد مخدر که دارای مجازاتهایی از قبیل اعدام و حبس ابد بود، از نظرات متعصبانه فقهی ایشان دور ماند و قوانین سابق عیناً تنفیذ شدند.

۱- از قانون جزای ۱۳۵۵:

ماده سه صد و چهل ونهم: شخصی که مواد مخدره یا مسکره را استعمال نماید به حبس سه ماه الی شش ماه یا جزای نقدی سه هزار الی شش هزار افغانی یا به هر دو جزا محکوم میگردد، مگر اینکه در قانون طور دیگری حکم شده باشد. ماده سه صد و پنجاهم: شخصی که به جبر و اکراه شخصی دیگر را به استعمال مواد مخدره و یا مسکره وادار سازد، به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده سه صد و پنجاه و یکم: شخصی که محلی را برای استعمال مواد مخدره یا مسکره تخصیص دهد، حسب احوال به حبس متوسط یا قصیر محکوم می گردد. محکمه علاوه بر مجازات متذکره به ضبط ادوات و آلات و اثاثیه مربوطه به استعمال مواد مخدره نیز حکم می نماید.

ماده سه صد و پنجاه و دوم:

۱- شخصی که در راه عام، محل عام یا تفریح گاه عمومی در حالت سکرطوری دیده شود که عقل خود را از دست داده یا سبب اذیت دیگران گردد، به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

۲- اگر مرتکب جرم مندرج فقره فوق در خلال یکسال بعد از صدور حکم محکمه مکرراً مرتکب جرم مذکور گردد، به حبس قصیری که از شش ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از شش هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

۳- اگر نزد محکمه ثابت گردد که مجرم متکرراً معتاد به استعمال مواد مخدره یا مسکره می باشد، می تواند مرتکب را در عوض جزای مندرج فقره ۲) این ماده تا مدت یکسال در یکی از روغتون های مربوطه بستر نماید.

۴- محکمه می تواند به اثر درخواست خازنوال و تصدیق روغتون مبنی بر صحت مرتکب قبل از انقضای مدت مندرج فقره ۳) این ماده او را رها نماید.»

پس از سرنگون شدن دولت طالبان و خروج از حالت دولت انتقالی و استقرار دولت دائمی افغانستان و استفاده از نخبگان حقوق در این دولت، قوانین افغانستان به تاسی از قوانین کشورهای همسایه و به علت پیشرفت‌های بشری در عرصه علوم شیمیایی و الکترونیکی، مورد بازنگری قرار گرفت و ضمن پذیرش اصول کلی قانون مبارزه با مواد مخدر همچنان مجازات اعدام و حبس ابد برای این بزه جاری ساری بود چرا که قانونگذار افغانستانی همانند قانونگذار ایرانی بر اساس آموزه های فقهی مبادرت به قانون نویسی می نمود.

التهایه بعد از بازنگری قانون مبارزه به مواد مخدر و مسکرات در سال ۱۳۸۹ و با توجه به در نظر گرفتن سایر قوانین ماهوی کشور افغانستان مشخص می گردد که این کشور با توجه به پیشرفت های صورت گرفته در امر مواد مخدر قوانین ماهوی خود را همواره به روز نموده و از اصل کلی پذیرفته شده مبنی بر مجاز بودن قانونگذار در تصویب قوانین در خصوص جرایم تعزیری، در هیچ دوره ای از قانون نویسی عدول ننموده و اقدام به تغییر ماهیت این جرایم با توجه به مقتضیات جامعه از تعزیر به حد نکرده و بزه مواد مخدر را در هر میزان و در هر حالت و با هر کیفیتی جز جرایم تعزیری قرار داده است ولی در این خصوص عللی که فقه حنفی در باب تجویز اعدام مطرح کرده است را به عنوان علل توجیه کننده اعدام در مقررات قانونی قید نکرده است تا در صورت عدم تحقق شروط جواز اعدام، اعدام قابل فرجام خواهی باشد در حالی که این موضوع در حقوق ایران به صراحت در حین قانون نویسی در خلال مواد قانونی مطرح شده است.

علیرغم اینکه کشور ایران در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ با بازنگری در قوانین جزایی خود به یله و رها بودن استفاده از مجازات اعدام در بزه مواد مخدر توجه نمود و از این باب اقداماتی در باب اصلاح این مقررته جهت کاستن از دامنه اعمال مجازات اعدام مواد مخدر صورت داده است ولی قانونگذار افغانستان بدون در نظر گرفتن این موضوع در قانون جزایی خود مقررات مربوط به مواد مخدر را در سال ۱۳۹۶ اصلاح و به تصویب رساند و بر

رویه سابق خود تاکید نمود و مجازات اعدام را به صورت مطلق برای بزه مواد مخدر اعمال می‌کرد بدون آنکه شروطی را جهت استحقاق اعدام نسبت به بزه‌کار بیان نماید.

یافته ها

با در نظر گرفتن قوانین دو کشور در حوزه جرایم مواد مخدر و ملاک قرار دادن مبانی فقه شیعه و حنفی و مقایسه آنها با یکدیگر مشخص می‌گردد با مفروض دانستن شروط اجرای اعدام در فقه حنفی و مستند بودن قوانین افغانستان به فقه حنفی؛ این امر هویدا است که ماهیت این بزه از ابتدای قانونگذاری تاکنون از جنبه تعزیری خارج نشده است و مجازات اعدام در بزه مواد مخدر به عنوان یک مجازات تعزیری استفاده شده است اما این امر در قانون ایران به گونه‌ای دیگر مطرح می‌شود چرا که در ابتدا بدون در نظر گرفتن مباحث فقهی و با استفاده از آموزه‌های حقوق رومی ژرمنی این مجازات را در خصوص بزه مواد مخدر تعریف شد و این موضوع کاملاً منطبق با اصول حقوق رومی ژرمنی بود لیکن با تحقق انقلاب اسلامی و آمیخته شدن موضوعات قانونی با مباحث فقهی، مشاهده می‌شود که تشتت در ماهیت جرایم مواد مخدر ایجاد می‌شود و مبنای مجازات اعدام را در این بزه دچار ابهام می‌نماید و تنها راه برون رفت از این چالش را تعریف دقیق ماهیت این بزه دانسته‌اند.

لذا بعد از اینکه از اصول و نظرات سابق فقها عدول شد و ماهیت واحد تعزیری برای این بزه تعیین گردید و قاعده جرایم حکمی در خصوص این جرایم مطرح شد؛ توانستند مجوز صدور مجازات اعدام در این جرایم را به نحو اصولی و قانون مطرح نمایند و این مجوز با بیان شروط چهارگانه^۱ در خصوص بزه مواد مخدر سبب شد که بزه مذکور

۱- «الف. مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند. منظور از سلاح در این بند، سلاح سرد و سلاح و مهمات موضوع قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۷/۶/۱۳۹۰ می‌باشد. ب. در صورتی که مرتکب نقش سردستگی (موضوع ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲) یا پشتیبان

در حکم بزه افساد فی الارض تعریف شود و مجازات اعدام را برای آن اعمال گردد و از این طریق اعمال اعدام در بزه تعزیری مواد مخدر نظامند گردید. در حالی که این موضوع در قانون افغانستان به هیچ وجه مطرح نیست.

با توجه به مقایسه‌ای که در خصوص قوانین کشورهای ایران و افغانستان در باب بزه مواد مخدر صورت گرفت این موضوع آشکار می‌گردد که قانون افغانستان با توجه با بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها در عرصه قانون نویسی و مشخص نمودن جایگاه فقه در جرایم و جلوگیری از ورود دیدگاه‌های فقهی در باب جرایم تعزیری؛ قانون جامع و کامل‌تری در مورد بزه مواد مخدر به تصویب رسانده که عاری از هرگونه جانبداری و مصلحت‌اندیشی و محرومیت‌های قانونی در خصوص متهمان است در حالی که قانونگذار ایرانی بر خلاف قانونگذار افغانستانی با ترکیب دیدگاه‌های فقهی و نظرات قانونگذاران در تدوین قانون مبارزه با مواد مخدر و وارد نمودن این بزه در زمره تعزیرات و قرار دادن بخشی از آن در حکم جرایم حدی، مانع استفاده متهمان و یا محکومان از قسمتی از حقوق مکتسبه خود شده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مالی و یا سرمایه‌گذار را داشته یا از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانبین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد. پ. مواردی که مرتکب به علت ارتکاب جرائم موضوع این قانون، سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال داشته باشد.

ت. کلیه جرائم موضوع ماده (۴) این قانون مشروط بر اینکه بیش از پنجاه کیلوگرم باشد و مواد موضوع ماده (۸) این قانون مشروط بر اینکه بیش از دو کیلوگرم باشد و در خصوص سایر جرائم موضوع ماده (۸) در صورتی که بیش از سه کیلوگرم باشد. اجرای این بند نسبت به مرتکبان، متهمان و مجرمان قبل از لازم الاجراء شدن این ماده منوط به داشتن یکی از شرایط بندهای (الف)، (ب) یا (پ) نیز می‌باشد.»

برآمد

با در نظر گرفتن قوانین دو کشور و تطبیق آن دو با هم مشخص گردید که مبنای ورود مجازات اعدام در قانون دو کشور ایران و افغانستان، در واقع حقوق رومی ژرمنی بوده است که با مطرح شدن احکام فقهی در قوانین دو کشور و جنبش حقوقی منع اعدام در جامعه حقوقی سبب شد تفاسیر متعددی در باب ماهیت بزه از لحاظ فقهی و پذیرش اعدام از مبنای فقهی در خصوص این جرایم مطرح شود.

لذا با در نظر گرفتن شرایط زمانی از حیث نوع حکومت و مصالح آن و در نظر گرفتن شرایط سیاسی حاکم بر منطقه و همچنین نظرات اجماعی علما، علمای حقوق مبادرت به بیان تفاسیری در باب پذیرش و عدم پذیرش این مجازات نمودند در حالی که در تمامی این تفاسیر تنها اصلی که تغییر نمی‌کرد، اصولی بود که از منظر عقل صحیح و شایسته دانسته شده بود. لیکن علیرغم در نظر گرفتن احکام عقلی، استثنائاتی در نظر گرفته شد تا از این طریق بقا حکومت اسلامی و تدوام بشر حفظ گردد و اصول دینی و مذهبی تعریف شده در ناخودآگاه بشریت که برگرفته از فطرت پاک و روح الهی است دچار تزلزل نگردد.

از این رو اعمال مجازات اعدام در خصوص جرایم مواد مخدر منطبق با احکام عقلی گردید و از اینرو مزمت نمودن این حکم چندان صحیح نیست ولی این امر نباید به صورت افسارگسیخته باشد و باید با تعالی روحی و روانی همگام باشد لذا به صورت محدود و نظاممند در قوانین مورد استفاده قرار گیرد.

بنابراین قاعده (التغزیر بما دون الحد) توسط شرعیت اسلامی مطرح شد و اعدام در جرایم تعزیری با استدلال های عقلی فقه حنفی پذیرفته شد و از این طریق در خصوص جرایم مواد مخدر در حقوق افغانستان تصویب گردید لیکن در قانون کنونی ایران مورد ایراد بود که با در نظر گرفتن قواعد جرایم حکمی (البته با در نظر گرفتن احکام عقلی) جهت رعایت مصالح نظامی اسلامی مورد پذیرش قرار گرفت.

با عنایت به مباحث فوق که دلالت بر تفاوت علل پذیرش اعدام در جرایم مواد مخدر در قوانین دو کشور دارد پیشنهادات ذیل مطرح می‌شود:

(۱) مجمع تشخیص مصلحت نظام با در نظر گرفتن اقوال فقهای معاصر طی یک قانون مدون و مصوب (همانند آیین نامه نحوه اجرای اعدام) قانونی را در باب جواز صدور اعدام در جرایم تعزیری مصوب نماید همانند فقه حنفی، که شرایط تحویر اعدام در تعزیرات را بیان نموده است.

(۲) در صورت عدم تحقق پیشنهاد مذکور و در نظر داشتن لزوم رعایت دقیق قواعد فقهی حاکم بر قانون نویسی؛ به نظر می‌رسد که قانونگذار ایران در محدوده (قاعده التعزیر بما دون الحد) اقدام نماید و از میثاق حقوق مدنی و سیاسی که به آن پیوسته تبعیت نماید و مجازات اعدام را به از بزه مواد مخدر که تنها تعزیر دارای مجازات سلب حیات است حذف نماید.

منابع

کتاب و مقالات

- ابو زهره، محمد، *الجريمه و العقوبه في الفقه الاسلامي*، انتشارات دار الفكر العربي، (۱۴۱۹)
- ابر القیم الجوزیه (بی تا)، *الطرق الحكمیه فی السیاسه الشرعیه*، دارالجلیل، بیروت، ص ۳۳۷
- ابراهیمی، حسن؛ گلدوست جویباری، رجب، *تشتت ماهیت جرایم مواد مخدر در نظام حقوق کیفری ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق افغانستان*، پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، ۹، ش ۱۸، بهمن ۱۴۰۰، صص ۳۵۵-۳۸۴.
- اسمعیل پورعسکر، ندا، *بررسی و نگرشی از جایگاه مواد مخدر از منظر قرآن و اسلام*، دومین همایش بین المللی علوم مدیریتی، تربیتی، اجتماعی و روانشناسی، تهران، (۱۳۹۸) <https://1018602/doc/com.civilica/>
- امام خمینی، روح الله، *تحریر الوسيله*، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ه.ق، ص ۱۶۵
- اونا او، راج ناریان، ماکس ریتیگ، سکات سکیفر، اننا ستفیس وایلی سوگرمن؛ *کتاب مبادی حقوق جزای افغانستان*، پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان دانشکده حقوقی دانشگاه ستانفورد، (۲۰۱۶).
- آقابابایی، اسماعیل، *دیدگاه شرع و قانون در برخورد با جرایم مرتبط با مواد مخدر*، رواق اندیشه شماره ۴۳، (۱۳۸۴).
- تقی پور، علیرضا، *تاثیر نظام حقوق بشر بر اساسنامه دادگاه های کیفری بین المللی در زمینه مجازات اعدام*، پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، شماره ۱۰، نیم سال دوم ۱۳۹۶، صص ۱۰۱-۱۲۵.
- پاک نهاد، امیر، *آسیب شناسی مجازات اعدام در حقوق ایران*، دایره المعارف علوم

- جنایی، جلد اول؛ تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- زحیلی، وهبه، *العقوبات الشریعه و الاقصیه و الشهادات*، منشورات کلیه الدعوه الاسلامیه، لجماهریه، العظمی، (۱۹۹۱)، ص ۱۰۸
- حبیبی، ضامن علی، *سیاست جنایی افغانستان در قبال مواد مخدر*، فصلنامه کاتب، سال ۵، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۹۷، صص ۶۷-۸۶.
- حبیبی تبار، جواد؛ حبیبی، ضامن علی؛ *مبانی فقهی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر*، مجله فقه، سال بیست و یکم، شماره ۱، تابستان، (۱۳۹۳) صص ۹۳-۳۲.
- حبیب زاده، محمد جعفر؛ علی پور، عادل؛ *منع مجازات اعدام تعزیری در فقه امامیه*، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۵، شماره ۹؛ پاییز و زمستان (۱۳۹۲)، صص ۴۳-۶۶.
- حدادزاده نیری، محمدرضا، حبیب زاده، محمدجعفر، فرجیها؛ *واکاوی اثر بخشی اعدام در جرایم مواد مخدر در پرتو نظریه های تحلیل اقتصادی جرم*، پژوهش حقوق کیفری، دوره هشتم، شماره سی و یکم، تابستان ۱۳۹۹، صص ۹-۳۹.
- خداخواه، نسیم، *بررسی فقهی حقوقی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر*، مجله پژوهش و مطالعات علوم انسانی، سال اول، شماره ۶، دی ماه (۱۳۹۸).
- رحم دل، منصور؛ *حقوق کیفری مواد مخدر*، ویرایش اول، انتشارات سها دانش، (۱۳۸۳).
- ساریخانی، عادل؛ آقابابایی بنی، اسماعیل؛ *واکاوی مستندات فقهی اعدام تعزیری*، پژوهش حقوق کیفری، سال سون، شماره هشتم، پاییز (۱۳۹۳)؛ صص ۹-۳۲.
- سلیمی، فرزین و محمودآبادی، رضا، *بررسی ماهیت مجازات اعدام در جرم قاچاق مواد مخدر در ایران*، کنگره بین المللی جامع حقوق ایران، (۱۳۹۵) <https://634040/doc/com.civilica>
- شریعتی سبزواری، محمدباقر، *مقاله نگرشی بر احکام اسلام و مواد مخدر*،

مجله معارف اسلامی، (۱۳۸۵).

شافعی، محمد، *التجسس فی عصر الرسول*، دارالشباب العربی، بی جا، (۱۴۱۶ه.ق).

صالحی، شعله، *تاریخچه مصرف تریاک در ایران*، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، تهران، (۱۳۹۳).

صدریان، زهرا، *مواد مخدر از منظر قانون و شرع اسلام*، همایش ملی پیشگیری از اعتیاد، شاهین شهر و میمه، (۱۳۹۵)، <https://com.civilica.com/doc/624312>

صلح چی، محمد علی؛ نصیری، شهریار؛ *مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران بر اساس موازین حقوق بین الملل بشر؛ حذف یا ابقاء*، مجله حقوقی بین المللی، پاییز و زمستان، شماره ۵۹، (۱۳۹۷)، صص ۱۴۳-۱۷۰.

عادل، ساریخانی، عادل؛ توکل پرور، محمد هادی، *مفهوم شناسی «تعزیرات منصوص شرعی» با تاکید بر نظرهای شورای نگهبان*، فصلنامه دانش حقوق عمومی، (۱۳۹۵).

عرفانی، ابراهیم و مصطفایی، نادر، *تعامل رسانه ها با سیاست کیفری ایران در قبال جرایم مواد مخدر*، فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، دوره دوم شماره هشتم زمستان (۱۳۹۷).

غلام حیدر، علامه، *آموزه های جرم شناسی در کود جزا*، مجله علمی پژوهشی سارانوال، لوی سارانوالی، سال بیست و هفتم، شماره ۵۲، کابل، خزان (۱۳۹۷).

غلام حیدر، علامه، *نقد بر قانون جزای افغانستان*، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات حقوقی، شماره ۷، سال دوم، قم، خزان (۱۳۸۶)، صص ۹۱-۱۲۰.

غلام حیدر، علامه، *نقد و بررسی کود جزای افغانستان ۱۳۹۶*، کتاب سینا، دانشگاه ابن سینا، سال پنجم، شماره پنجم، بهار (۱۳۹۷).

غلامی، حمیدالله، *قاجاق مواد مخدر و روان گردان، مصادیق و مجازات*

آن در قوانین جزایی افغانستان، فصلنامه علمی-پژوهشی خارناوال، سال ۲۸ ام، شماره ۵۷، ۱۱۹-۱۴۷

کلانتری خلیل آباد، عباس؛ متولی زاده نائینی، نفیسه؛ گلستان رو، صدیقه؛ تقدی
فقهی بر تعیین مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، فقه و اصول، سال پنجاهم،
شماره ۳، شماره پیاپی ۱۱۴، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۴۶-۱۲۷.

کونانی، محمدرضا و قلائی، میثم، حرمت حمل مواد مخدر براساس مبانی
فقهی، فصلنامه علمی دانش انتظامی لرستان، (۱۳۹۹).

کاظمی، مسعود، تاثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرایم مواد مخدر و
روان گردان، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد ۴، (۱۳۹۳)، صص ۱۰۱-۱۱۸

لطفی، اسدالله، مبانی شرح المعه (الروضه البهیه فی شرح المعه الدمشقیه
شهید ثانی)، مجمع علمی و فرهنگی مجد، (۱۳۸۷).

مظاهریور، تهمینه، جعفری، مهران، بررسی احکام فقهی مواد مخدر از نظر
علمای معاصر مذاهب خمس، اولین همایش ملی یافته های نوین در علوم انسانی و
امنیت اجتماعی، تهران، (۱۳۹۵)، <https://www.civilica.com/doc/669833>

موسوی بجنوردی، سید محمد، میزگرد مرور زمان در دعوی حقوقی و
کیفری، فصلنامه رهنمون، نشریه مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۴ و ۵، (۱۳۷۲)، ۱۱۲-
۱۷۰.

موسی خمینی، سید روح الله. صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه
تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، جلد ۲۰، (۱۳۷۹)

نوابی، عبدالحسین، ماجراهای منع تریاک، گنجینه اسناد، بهار، شماره ۱)
۱۳۷۰-۱۶-۳۵.

تارنماها

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تارنمای موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تاریخ آخرین ویرایش ۰۷/۰۹/۱۳۹۸؛ تاریخ دسترسی ۰۶/۰۶/۱۳۹۹، <http://www.iichs.ir/s/8370>

حمید غلامی، یادداشت حقوقی، تاریخ آخرین ویرایش ۰۴/۰۳/۱۳۹۰، تاریخ دسترسی ۰۱/۰۶/۱۳۹۹، <http://post.com.blogfa.hamidgholamilawyer>

قوانین ایران

قانون تحدید تریاک مصوب ۱۲۸۹/۱۲/۲۳

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴

قانون انحصار دولتی تریاک مصوب در ۲۶ تیر ۱۳۰۷

۴ قانون مجازات مرتکبین قاچاق تریاک مصوب ۱۶ مرداد ۱۳۰۷

قانون اصلاح قانون انحصار دولتی تریاک در سال ۱۳۱۱

قانون تخفیف باندرو ل تریاک مصوب ۱۳۱۰/۲/۳۰

قانون طرز جلوگیری از قاچاق تریاک مصوب ۱۳۰۸/۹/۳

قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹

نظامنامه هیئت وزیران مبنی بر تجدید ساخت و توزیع ادویه مخدر مصوب ۱۳۱۳/۴/۲۵

قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۴/۰۸/۱۷

قانون الحاق دولت ایران به پروتکل تحدید و تنظیم کشت خشخاش و تولید و تجارت بین المللی و تجارت عمده مصرف تریاک مصوب ۱۳۳۶/۸/۱۴

قانون مربوط به منع کشت خشخاش و استعمال مواد افیونی مصوب ۱۳۳۸/۰۲/۱۹
قانون اجازه کشت محدود خشخاش و صدور تریاک مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۱۳
قانون تشدید مجازات مرتکبین اصلی جرایم مندرج در قانون کشت خشخاش
مصوب ۱۳۴۸/۳/۳۱

قانون مربوط به مواد روانگردان (پسیکوتروپ) مصوب ۱۳۵۴/۰۲/۰۸
قانون آزادی متهمان و محکومین به مواد مخدر به مناسبت سالگرد ۱۵ خرداد
مصوب ۵۹/۲/۲۰

قانون تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به
منظور مداوا و اشتغال به کار معنادین مصوب ۵۹/۳/۱۹

قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷
قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰
قانون این دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب
۱۳۷۸

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
قانون این دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اجرایی ۱۳۹۴
قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۲۶

قوانین افغانستان

نظامنامه جزای عمومی مصوب اول اسد سنه ۱۳۰۰ شمسی (۱۳۰۰/۵/۱)
نظامنامه جزای عمومی مصوب ۱۷ میزان سنه ۱۳۰۲ شمسی (۱۳۰۲/۷/۱۷)
نظامنامه جزای عمومی مصوب ۱۵ حمل سنه ۱۳۰۷ شمسی (۱۳۰۷/۱/۱۵)
نظامنامه توقیف خانه‌ها و محبوسخانه‌ها مصوب ۱۳ میزان ۱۳۰۲ (۱۳۰۲/۰۷/۱۳)
نظامنامه توقیف خانه‌ها و محبوسخانه‌ها مصوب ۱۳ میزان ۱۳۰۵ (۱۳۰۵/۰۷/۱۳)

نظامنامه اخذ رسوم گمرک مصوب ۱۵ جدی سنه ۱۳۰۹ (۱۳۰۹/۱۰/۱۵)

اصول نامه تریاک مصوب ۹ برج اسد ۱۳۳۵ شمسی (۱۳۳۵/۰۶/۰۹)

اصول نامه منع زرع، تجارت، خرید و فروش، ورود و صدور و استعمال تریاک در

افغانستان مصوب ۲ برج قوس ۱۳۳۶ (۱۳۳۶/۱۰/۰۲)

اصول نامه جزای عسگری افغانستان مصوب ۱۳۳۹/۴/۳

اساسنامه اتحادیه پستی جهانی در تاریخ ۴۹/۹/۱۵

قانون گمرکات مصوب ۵۲/۹/۲۸

قانون انسداد قاچاق مصوب ۲۲ دلو ۱۳۴۸ (۱۳۴۸/۱۰/۲۲)

قانون جزا افغانستان مصوب سال ۱۳۵۵

قانون مبارزه علیه مواد مخدر مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۳

قانون مبارزه علیه مواد مخدر مصوب ۱۳۶۹ پذیرفته شده توسط طالبان در تاریخ

۱۳۷۹/۵/۱۷

قانون مبارزه علیه مواد مخدر مصوب ۱۳۸۲

قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۴

قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و کنترل آن مصوب ۱۳۸۹

قانون جزا افغانستان مصوب سال ۱۳۹۶

نظریه مشورتی

نظریه مشورتی ۱۱۷۱/۷ مورخ ۱۳۷۵/۳/۲ اداره حقوقی قوه قضاییه